

مقاله مصادیق احسان و نیکوکاری در سیره امیرالمومنین (علیه السلام)

محمد صالح طیب نیا<sup>۱</sup>، زهرا خورسندی<sup>۲</sup>



1. Zkhorsandi6@gmail.com. استادیار دانشکده اهل‌البیت (س) دانشگاه اصفهان، ۱

2. Tayebnia.saleh@yahoo.com. دانشجوی کارشناسی ارشد نهج‌البلاغه دانشگاه اصفهان، ۲

## فهرست مطالب

۴	چکیده .....
۴	بیان مسئله .....
۵	پیشینه و ضرورت تحقیق .....
۷	۱- اهمیت تبعیت از سیره امیرالمؤمنین (علیه السلام) .....
۹	الف) احسان‌های اقتصادی .....
۹	یک - ولی صدقه‌دهندگان .....
۹	دو - انفاق‌کننده دارایی در شب و روز، نهان و آشکارا .....
۱۰	سه - پیشوای صدقه‌دهندگان .....
۱۰	چهار - بخشیدن لباس .....
۱۱	پنج - بخشیدن زره .....
۱۱	شش - بخشیدن حُلّه .....
۱۲	هفت - جوان‌مردی و بخشیدن شمشیر .....
۱۲	هشت - بخشیدن خانه و نزول سوره لیل .....
۱۴	نُه - بخشیدن بند کفش .....
۱۴	ده - مواسات علی (علیه السلام) .....
۱۵	یازده - آزاد کردن بردگان .....
۱۵	دوازده - پرداخت بدهی .....
۱۶	دوازده - پردازنده بدهی پیامبر .....
۱۶	سیزده - اطعام .....
۲۰	چهارده - موقوفات .....
۲۰	اول) چاه‌ها، چشمه‌ها، نخلستان‌ها و مزارع .....
۲۱	دوم) مساجد وقفی حضرت علی (علیه السلام) .....

مصادیق احسان و نیکوکاری در سیره امیرالمؤمنین (علیه السلام)

---

۲۱	..... (سوم) خانه موقوفه حضرت علی (علیه السلام)
۲۲	..... (ب) احسان‌هایی با جنبه خدماتی
۲۲	..... یک - بنیاد نهادن صندوق شکایات
۲۲	..... دو - بردن مشک آب و پخت نان
۲۳	..... سه - نیکی در حق زن ستم‌دیده
۲۵	..... مصادیق احسان و نیکوکاری امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)
۲۷	..... نتیجه
۲۸	..... منابع



## چکیده

احسان و نیکوکاری در آموزه‌های دینی به معنای انجام دادن کار نیک در ارتباط تنگاتنگ میان انسان با خدا و خدمت به دیگران بدون چشمداشت است. احسان یکی از روش‌های پسندیده جامعه انسانی است که در جوامع به شکل‌های گوناگون وجود داشته و با ظهور اسلام و راهنمایی‌های پیامبر به خوبی در رفتار مسلمانان جای گرفته است. یکی از امور مسلم در سیره امیرالمؤمنین (علیه السلام) اهتمام ایشان به رفع نیاز مستضعفان و محرومان و یتیمان است. در این پژوهش با استفاده از روش حدیثی - تحلیل تاریخی، سعی شده احسان‌هایی که حضرت نسبت به مردم داشتند به صورت مصداقی آورده شود.

حضرت علی (علیه السلام) در برهه‌های مختلف زندگی پربرکشان بخشش‌های عظیمی داشتند که سبب نزول آیة‌هایی در مدح ایشان گردیده است. احسان‌های حضرت شامل: انفاق، صدقه، اطعام، آزاد کردن برده، موقوفات، تأسیس صندوق شکایات و... بوده است که این احسان‌ها جنبه اقتصادی، خدماتی، تبلیغی و عاطفی داشتند و حضرت با کار کردن بر روی زمین و حفر چاه و... این امور خیر را انجام می‌دادند و هدف ایشان علاوه بر رضای خدا و قرب الهی که در اولویت قرار داشت، برای گسترش و تبلیغ دین اسلام و تعدیل اقتصادی در جامعه بوده است و این که حضرت رسیدگی به محرومان را وظیفه رهبر جامعه می‌دانستند.

کلیدواژه‌ها: علی، احسان، بخشش، موقوفات، اطعام.

## بیان مسئله

«حُسن» یعنی هر چیز خوش آیندی که مورد رغبت باشد و «حسنه» هر نعمت خوش آیند و شادکننده که به روح یا بدن انسان می‌رسد و «احسان» به دو وجه بیان شده است: یکی؛ نعمت دادن و بخشیدن به دیگری چنان که گفته می‌شود: به فلان شخص بخشش کرد. دیگری؛ احسان در کار و عمل به این معنی که کسی علم نیکویی را بیاموزد یا عمل نیکویی انجام دهد و بر این اساس است سخن امیرالمؤمنین (علیه السلام): «الناس ابناء ما یحسنون» (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۴۹۳).

احسان یکی از اصول مورد توجه همه شریعت‌ها و سنت‌ها به‌ویژه اسلام در طول تاریخ بوده و در آموزه‌های دین اسلام بسیار مورد توجه قرار گرفته و به آن سفارش شده است. بنابر آن چه از آیات قرآن کریم استفاده می‌شود،





احسان و نیکوکاری مصادیق فراوانی داشته و در شکل‌های مختلف ظهور و بروز می‌کند، از جمله آن‌ها می‌توان ایمان به خدا، پیامبر، قرآن کریم، معاد، تقوا، تحمل سختی‌ها و مشکلات، عفو و گذشت، محبت و دوستی اهل بیت<sup>ع</sup>، خیرخواهی و اصلاح، اجتناب از فساد و گناهان کبیره، استغفار در سحرگاهان، پرداخت زکات، پرداخت هدیه، انفاق و بخشش در راه خدا، تأمین نیازمندان، رفتار شایسته با پدر و مادر را از مصادیق نیکوکاری برشمرد.

«در کل می‌توان گفت که احسان و نیکوکاری معنی وسیعی دارد که هم اطاعت خدا را شامل می‌شود، هم انواع نیکی‌ها به خلق خدا» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۷۴).

یکی از امور مسلم در سیره پیامبر گرامی اسلام و ائمه معصومین، به ویژه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، اهتمام ایشان به رفع نیاز مستضعفان و محرومان است. حضرت علی (علیه السلام) بخشنده‌ترین مردم بودند و پیامبر خدا<sup>ص</sup> در وصف علی (علیه السلام) فرمودند: «این دریای خروشان و خورشید برآمده، در بخشش، از فرات بخشنده‌تر است و دل‌گشا‌تر از دنیا. هر کس او را دشمن بدارد لعنت خدا بر او باد» (محمدری شهری، دانشنامه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ج ۹، ص ۵۱۲).

در این مقاله به انواع نیکی‌ها و مصادیق گوناگون احسان و نیکوکاری امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به خلق خدا پرداخته می‌شود. و این که احسان‌های حضرت علی (علیه السلام) چه چیزهایی بود؟ آیا احسان‌های حضرت فقط جنبه اقتصادی داشته است؟ حضرت از چه راهی چنین بخشش‌هایی داشته‌اند؟ علت نیکوکاری‌های حضرت نسبت به مردم چه بود؟

### پیشینه و ضرورت تحقیق

با بررسی انجام‌شده مشخص شد کتاب‌های زیادی در مورد مناقب و فضیلت‌های امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نوشته شده است. به عنوان نمونه: کتاب مناقب ابن شهر آشوب و مناقب آل ابی طالب مغزلی و کتب تاریخی و حدیثی مانند: تاریخ مدینه از ابن شهبه و کتاب دانشنامه امیرالمؤمنین (علیه السلام) که در ۱۴ جلد نوشته شده، شرح کاملی از زندگی حضرت علی (علیه السلام) است که به فضایل امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز پرداخته‌اند.





مصادیق احسان و نیکوکاری در سیره امیرالمؤمنین (علیه السلام)

کتب و مقالاتی هم دیده شد که در مورد کارهای نیک حضرت امیر (علیه السلام) نوشته شده است، ولی فقط به یک مورد از آن کارها پرداخته شده است. برای نمونه: کتاب حضرت علی (علیه السلام) و بخشیدن انگشتر و یا مقاله جایگاه موقوفات امام علی (علیه السلام) از خانم عفت خشنودی. لذا به طور کلی می‌توان گفت آثار مذکور به شکل مستقل به مصادیق اعمال نیک حضرت علی (علیه السلام) نپرداخته‌اند.

در این پژوهش سعی بر آن است که مصادیق مختلف احسان‌های حضرت علی (علیه السلام) که نسبت به نیازمندان انجام می‌دادند آورده شود تا روشن گردد که احسان‌های آن حضرت فقط بخشیدن انگشتر و لباس نبود بلکه بخشش‌های گوناگونی داشته و به شکل‌های مختلفی به مردم کمک می‌کردند. مقاله حاضر به روش تحلیلی - توصیفی و با استناد به آیات و روایات به این مسئله می‌پردازد.

قبل از بیان مصادیق نیکوکاری امیرالمؤمنین (علیه السلام)، لازم است خیلی کوتاه به مصادیق نیکوکاری در قرآن پرداخته شود.

واژه «احسان» به معنای انجام دادن کار نیک است که خداوند متعال مردم را به انجام دادن آن تشویق می‌کند و غالباً در آیات قرآن از نیکوکاران با واژه «محسنین» یاد می‌کند: {هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ} و در ادامه به تبیین ویژگی‌های خاصشان می‌پردازد و می‌فرماید: {الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ}؛ و عاقبت و سرانجام کار محسنین را چنین بیان می‌کند: {أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ} (لقمان/۳-۵).

همان‌طور که گفته شد، احسان و نیکوکاری در قرآن مصادیق بسیاری دارد. از جمله؛ تحمل سختی‌ها، عفو و گذشت، خیرخواهی، ایمان به خدا و معاد و نبوت، هدیه دادن، انفاق و دستگیری و یاری نیازمندان و... از مصادیق نیکوکاری است.

در آیه ذیل چند مورد از مصادیق نیکوکاری بیان شده است.

{لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قَبْلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ





مصادیق احسان و نیکوکاری در سیره امیرالمؤمنین (علیه السلام)

وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُؤْتُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ { (بقره/۱۷۷).

«بر جنبه وصفی دارد و به معنی شخص نیکوکار است. در اصل به معنی بیابان و مکان وسیع می‌باشد و از آن جا که نیکوکاران، روحی وسیع و گسترده دارند این واژه بر آن‌ها اطلاق می‌شود» (مکارم، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۷۵).  
بنابر آیات نورانی قرآن کریم نیکوکاری معنی وسیعی دارد و یکی از مصادیق نیکوکاری کمک به محرومان و نیازمندان جامعه است. حضرت علی (علیه السلام) مصادق کامل یک فرد نیکوکار و نسخه منحصر به فرد «انسان کامل» پس از پیامبر است. یگانه‌ای که در ایمان، تقوا، دانش، اخلاق، شجاعت، وفاداری، راست گویی، ایثار، رحمت و دستگیری از مستمندان و مهربانی با یتیمان هم‌تراز ندارد.

#### ۱- اهمیت تبعیت از سیره امیرالمؤمنین (علیه السلام)

«سیره در زبان عربی از ماده سیر است. سیر یعنی حرکت، رفتن، راه رفتن. «سیره» یعنی نوع راه رفتن. سیره بر وزن فعله و فعله در زبان عربی دلالت بر نوع می‌کند. سیره یعنی نوع و سبک رفتار» (مطهری، سیره نبوی، ص ۳۹).

یکی از منابع شناخت از نظر اسلام، سیره اولیا و پیشوایان اسلام از شخص پیامبر تا ائمه اطهار، و به عبارت دیگر؛ سیره معصومین است. گفته‌هاشان به جای خود، شخصیت‌شان یعنی سیره و روش‌شان منبعی برای شناخت است. سیره پیغمبر برای ما یک منبع الهام است و نیز سیره ائمه» (همان، ص ۲۱).

طبق متون دینی، پیامبر و ائمه معصومین بهترین الگو و چراغ راهنما در تمام مراحل زندگی انسان‌ها و برترین سرمشق و پیشوا در احسان و نیکوکاری هستند که در قرآن کریم به مسلمانان امر شده تا از آن‌ها تبعیت کنند.

به تعبیر شهید مطهری «یک کار کوچک پیغمبر، یک چراغ است، یک شعله است، یک نورافکن است برای انسان که تا مسافت‌های بسیار دور را نشان دهد» (همان).

حضرت علی (علیه السلام) در نامه ۴۵ نهج البلاغه در مورد اقتدا و تبعیت کردن از امام خود می‌فرماید: «آگاه باش! هر مأمومی امام و پیشوایی دارد که باید به او اقتدا کند و از نور دانش او بهره گیرد. بدان! امام شما از دنیایش به دو جامه کهنه و از غذایش به دو قرص نان قناعت کرده است. آگاه باش که شما نمی‌توانید این چنین باشید و این زندگی را تحمل کنید ولی مرا با پرهیزگاری و تلاش و عفت و پیمودن راه درست یاری دهید».







مصادیق احسان و نیکوکاری در سیره امیرالمؤمنین (علیه السلام)

در ادامه می‌فرمایند: «به خدا سوگند! من هرگز از ثروت‌های دنیای شما چیزی از طلا و نقره نیندوخته‌ام و از غنایم و ثروت‌های آن مالی ذخیره نکرده‌ام و برای این لباس کهنه‌ام بدلی مهیا نساختم‌ام و از اراضی این دنیا حتی یک وجب به ملک خود در نیآورده‌ام و از خوراک آن جز به مقدار قوت ناچیز و چهارپای مجروحی در اختیار نگرفته‌ام. این دنیا در چشم من بی‌ارزش‌تر و خوارتر از شیره تلخ درخت بلوط است!».

«تعبیر امام (علیه السلام) که از نهایت تواضع و زهد آن حضرت خبر می‌دهد، برای آن است که مخاطب یا مخاطبان این مسئله مهم را جدی بگیرند و آلوده‌زندی‌های پر زرق و برق اشرافی گناه‌آلود نشوند و با نیازمندان و مستمندان مواسات کنند» (مکارم شیرازی، پیام امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ج ۱۰، ص ۱۸۸).

در فرازی دیگر از نامه ۴۵، امام (علیه السلام) می‌فرماید: «اگر می‌خواستم می‌توانستم از عسل مصفی و بافته‌های ابریشم برای خود غذا و لباس تهیه کنم، اما هیئات که هوای نفس بر من چیره شود و حرص و طمع مرا وادار به انتخاب طعام‌های لذیذ نماید. در حالی که شاید در سرزمین حجاز یا یمامه کسی باشد که حتی امید به دست آوردن یک قرص نان نداشته و هرگز شکمی سیر به خود ندیده باشد. آیا من با شکمی سیر بخوابم در حالی که در اطراف من شکم‌های گرسنه و جگرهای تشنه باشند و یا چنان باشم که شاعر گفته است: این درد تو را بس که با شکم سیر بخوابی در حالی که در اطراف تو شکم‌های گرسنه‌ای است که آرزوی قطعه پوستی برای خوردن دارد! آیا من به همین قناعت کنم که گفته شود، من امیر مؤمنانم! اما خود با آن‌ها در سختی‌های روزگار شرکت نکنم و اسوه و مقتدایشان در ناگواری‌های زندگی نباشم؟» (مکارم شیرازی، ترجمه نهج البلاغه، نامه ۴۵).

## ۲- مصادیق احسان و نیکوکاری امیرالمؤمنین (علیه السلام)

احسان و نیکوکاری امیرالمؤمنین (علیه السلام) در حق خلق خدا به شکل‌های گوناگونی انجام می‌گرفت که بعضی جنبه خدماتی داشت، یعنی برای فرد یا افرادی خدمتی انجام می‌دادند. مانند: بردن مشک آب، صندوق شکایات، نان پختن. بسیاری از احسان‌های حضرت علی (علیه السلام) نیز جنبه اقتصادی داشتند. از جمله؛ صدقه، انفاق، موقوفات و... می‌توان گفت تمام احسان‌های آن حضرت، چه خدماتی و چه اقتصادی، جنبه عاطفی داشتند و این نشان از صفت رحمت، مهربانی و عطوفت حضرت نسبت به مردم به‌ویژه اقشار آسیب‌پذیر جامعه است. البته قابل ذکر است که تمام امور خیر حضرت علاوه بر جنبه خدماتی، اقتصادی و عاطفی، جنبه تبلیغی هم داشتند و امیرالمؤمنین (علیه السلام) از طریق انفاق و کمک به مردم، آن‌ها را به دین اسلام دعوت می‌کردند.







## الف) احسان‌های اقتصادی

از احسان‌های اقتصادی آن حضرت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

### یک - ولی صدقه‌دهندگان

مشهورترین احسانی که حضرت علی (علیه السلام) انجام دادند و آیه ولایت در شأن ایشان نازل شد، صدقه دادن در حال رکوع بود: {إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ} (مائده/۵۵).

«مسلمانان اتفاق نظر دارند که این آیه، درباره علی (علیه السلام)، هنگامی که در حال رکوع صدقه داد، نازل شده است. در این باره بین مفسران اختلاف نظری وجود ندارد.» (ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۳، ص ۲).

حضرت علی (علیه السلام) درباره اهمیت و ارزش صدقه می‌فرماید: «هرگاه فقیر شدید، با خداوند از طریق صدقه دادن (در راه او) تجارت (پرسود) کنید» (مکارم شیرازی، ترجمه نهج البلاغه، حکمت ۲۵۸).

### دو - انفاق‌کننده دارایی در شب و روز، نهان و آشکارا

{الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُم بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ} (بقره/۲۷۴).

تفسیر عیاشی - به نقل از ابواسحاق - آورده است: علی بن ابی طالب (علیه السلام) تنها چهار درهم، و نه بیش‌تر، داشت که در شب و در روز، در نهان و در آشکار صدقه داد. این خبر به پیامبر رسید، حضرت فرمود: ای علی! چه چیزی تو را بر این کار وا داشت؟» علی (علیه السلام) گفت: «دست‌یابی به وعده خداوند» پس خداوند آیه {الَّذِينَ يُنْفِقُونَ... سِرًّا وَعَلَانِيَةً} را فرو فرستاد (العیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۵۱).

حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «هر کس با دست کوتاه ببخشد با دست بلند به او بخشیده می‌شود» (مکارم شیرازی، ترجمه نهج البلاغه، حکمت ۲۳۲).

مرحوم سید رضی می‌گوید: «معنای این سخن آن است که آن‌چه از دارایی خود در راه خیر و نیکی می‌بخشد هر چه اندک باشد، خدای متعال پاداش آن را بزرگ و فراوان قرار می‌دهد.»



### سه - پیشوای صدقه‌دهندگان

آیه‌ای که جز امام علی (علیه السلام)، کسی بدان عمل نکرد، آیه ۱۲ و ۱۳ سوره مجادله است که شرط نجوا کردن با پیامبر را دادن صدقه به مستمندان بیان می‌کند: { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَجَّيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ أَلَمْ تَقْدِمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ... }.

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: در کتاب خدا آیه‌ای است که هیچ کس به آن عمل نکرد و پس از من کسی به آن عمل نخواهد کرد و آن آیه نجواست: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگاه با پیامبر گفت و گوی محرمانه‌ای دارید، پیش از گفت و گوی محرمانه، صدقه‌ای پردازید...». من یک دینار داشتم، آن را به ده درهم تبدیل کردم و با پیامبر نجوا نمودم و هرگاه که با پیامبر خدا نجوا کردم، پیش از نجوا، یک درهم صدقه می‌دادم. سپس آیه منسوخ شد و کسی به آن عمل نکرد و آیه بعدی نازل شد! «آیا ترسیدید که پیش از گفت و گوی محرمانه خود، صدقه‌هایی پردازید...» (طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۹، ص ۲۷۹).

### چهار - بخشیدن لباس

حضرت علی (علیه السلام) بسیار ایثار و از خود گذشتگی می‌کردند و از چیزهایی که دوست داشتند برای رضای خدا و خلق خدا بارها گذشتند. برای مرد بزرگی چون علی (علیه السلام) که در شب لیلۃ‌المبیت و در جنگ‌ها به خاطر اسلام، خدا و پیامبر خدا از جان خود گذشت، گذشتن از مال و غذا و لباس چیزی نبود. او علی بود که همتایی در عالم نداشت.

مجمع‌البیان - از ابوظفیل - نقل می‌کند که علی (علیه السلام) لباسی خرید و از آن خوشش آمد، آن را صدقه داد و گفت: «از پیامبر خدا شنیدم که می‌فرمود: «آن که دیگری را بر خویش مقدم دارد، خداوند او را در روز قیامت، به بهشت پیش می‌دارد، و هر کس چیزی را دوست بدارد و آن را برای خداوند قرار دهد، خداوند متعال در روز قیامت می‌گوید: بندگان در کارهای شایسته‌ای که در بین آنان رایج است، پاداش می‌دهند و من امروز، بهشت را پاداش تو می‌سازم (همان، ج ۲، ص ۷۹۲).





### پنج - بخشیدن زره

«بیابان‌نشینی به نزد علی (علیه السلام) آمد و گفت: ای امیرمؤمنان! در خانه‌ام نه حیوان کرک‌داری هست و نه پشم‌داری، نه گوسفندی دارم و نه شتری! فرمود: «به خدا سوگند، در خانه بیش از قوت خود چیزی ندارم» بیابان‌نشین برگشت، در حالی که می‌گفت: به خدا سوگند، در روز قیامت، خدا از توبه به خاطر این دیدار، بازخواست خواهد کرد. علی (علیه السلام) بسیار گریست و فرمود تا او را برگرداند و از او خواست تا بار دیگر سخنش را تکرار کند و باز گریست و فرمود: «ای قنبر! آن زره مرا بیاور» و آن را به مرد بیابانی داد و فرمود: «مواظب باش کلاه سرت نرود. با آن، بسیار غم‌ها از چهره پیامبر زدوده‌ام». قنبر گفت: بیست درهم برای او بس بود. فرمود: «ای قنبر! به خدا سوگند، دوست ندارم که به اندازه دنیا طلا و نقره می‌داشتم و آن را صدقه می‌دادم و خدا از من می‌پذیرفت، ولی از این دیدار، بازخواست می‌کرد» (زمخشری، ربع‌الابرار، ج ۲، ص ۶۶۸).

### شش - بخشیدن حله

تاریخ دمشق - از اصبح بن نباته، از امام علی (علیه السلام) - نقل می‌کند که مردی پیش او (علی (علیه السلام)) آمد و گفت: ای امیرالمؤمنان! من حاجتی دارم. آن را پیش از این که با تو مطرح کنم، در درگاه الهی مطرح کرده‌ام، اگر تو آن را برآورده کنی، خدا را سپاس خواهم گفت و از تو تشکر خواهم کرد و اگر آن را برآورده نکنی، خدا را سپاس خواهم گفت و تو را معذور خواهم داشت. علی (علیه السلام) فرمود: «حاجتت را روی زمین بنویس؛ چون من دوست ندارم ذلت سؤال را در چهره‌ات بینم». وی نوشت: من محتاجم. علی (علیه السلام) فرمود: آن حله را برایم بیاورید» و آن را به وی بخشید. آن مرد گرفت و پوشید و آن‌گاه چنین سرود:

لباسی به من پوشاندی که زیبایی‌هایش آشکار است و من با ثناگویی، لباس‌هایی بر قامتت خواهم پوشاند. اگر ثنای من شامل تو شود، به بزرگی دست خواهی یافت و در آروزی جانشینی برای ثنایم افتاد، ثنا یاد صاحب ثنا را زنده می‌دارد چون باران که دشت و کوه را زنده می‌کند. دنیا را در نیکویی که انتظار داری، تنگ چشم بدان، هر کسی به خاطر آن‌چه انجام داده پاداش داده خواهد شد.

علی (علیه السلام) فرمود: «دینارها را برایم بیاورید». صد دینار برای وی آوردند و آن‌ها را به وی داد.





اصبغ می‌گوید: گفتم ای امیر مؤمنان! لباس و صد دینار؟! فرمود: آری. از پیامبر خدا شنیدم که می‌فرمود: «هر کس را جایگاه خود بنشانید و این، جایگاه این شخص در نزد من است». (ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۴۲ ص ۵۲۳، ح ۹۰۴۸).

#### هفت - جوان‌مردی و بخشیدن شمشیر

یکی از شیوه‌های حضرت علی (علیه السلام) برای تبلیغ و ترویج دین اسلام این بود که هیچ درخواستی را بدون پاسخ نمی‌گذاشتند؛ حتی اگر شخص سؤال‌کننده، دشمن حضرت بود و همین امر باعث می‌شد که طرف مقابل شرمند شود و حضرت را دیندار واقعی بداند و به اسلام ایمان آورد.

ابن شهر آشوب در المناقب می‌گوید: «روایت شده که علی (علیه السلام) با مردی از مشرکان می‌جنگید، مشرک گفت: ای پسر ابوطالب! شمشیرت را به من ببخش. علی (علیه السلام) آن را به سویش پرتاب کرد. مشرک گفت: شکفتا ای پسر ابوطالب! در چنین شرایطی شمشیرت را به من می‌بخشی؟! فرمود: «ای مرد! تو دست نیاز به سوی من دراز کردی و از جوان‌مردی نیست که درخواست کسی را رد کنی». مشرک خود را بر زمین افکند و گفت این روش دینداران است، پای علی (علیه السلام) را بوسید و اسلام آورد. (ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۲، ص ۷۶).

#### هشت - بخشیدن خانه و نزول سوره لیل

تفسیر فرات - به نقل از موسی بن عیسی انصاری - آورده است: پس از آن که نماز عصر را با پیامبر خدا به جا آوردیم، با امیر مؤمنان علی بن ابی‌طالب، در سایه‌ای نشسته بودیم که مردی پیش او آمد و گفت: ای ابوالحسن! به خاطر کاری به پیش تو آمده‌ام. می‌خواستم با من در این خصوص، نزد صاحب کار بیایی. علی (علیه السلام) فرمود: «بگو» گفت: من در خانه کسی زندگی می‌کنم که در آن، درخت خرمایی است و باد، آن درخت را تکان می‌دهد و گاه از غوره خرما، رطب و یا خرمایی فرو می‌افتد و گاه، پرنده‌ای آن را می‌اندازد و من از آن می‌خورم و بچه‌ها هم می‌خوردند، بدون آن که با چوب آن را بکنیم و یا سنگی به طرفش پرتاب کنیم. می‌خواهم که (صاحب‌خانه) آن را برای ما حلال کند.

علی (علیه السلام) فرمود: «بلند شو». من هم با او برخاستم و پیش آن مرد رفتم. امیر مؤمنان علی بن ابی‌طالب سلام کرد. آن مرد، خوش آمد گفت و شاد و مسرور گشت و پرسید: برای چه آمده‌ای یا ابوالحسن؟ علی (علیه السلام) فرمود: «برای کاری» مرد گفت: ان شاء الله انجام خواهد یافت. چه کاری؟ فرمود: «این مرد در خانه تو در فلان جا



زندگی می‌کند و می‌گوید که آن‌جا درخت خرمایی است و باد، آن را حرکت می‌دهد و گاه از آن، غوره خرمایی، خار خرمایی، رطبی و یا خرمایی فرو می‌افتد و گاه پرنده چیزی از آن می‌افکند، بدون این که سنگی به طرف آن پرتاب کنند و یا با چوب بزنند [و از آن خورده‌اند] می‌خواهم او را حلال کنی». مرد نپذیرفت. علی (علیه السلام) بار دیگر خواست و در خواست خود اصرار کرد و مرد نپذیرفت تا آن که گفت: «خدا را گواه می‌گیرم و از سوی پیامبر خدا ضمانت می‌کنم که در مقابل این درخت خرما، باغی در بهشت از آن تو باشد» و مرد (باز هم) نپذیرفت. نزدیک غروب شد و علی (علیه السلام) به وی فرمود: «آن (خانه) را در برابر فلان باغم به من می‌فروشی؟». گفت: آری. خدا را و موسی بن عیسی انصاری را گواه بگیر که آن را در مقابل این خانه فروختی. علی (علیه السلام) فرمود: «باشد. خدا و موسی بن عیسی انصاری را گواه می‌گیرم که آن باغ را با درختان، نخل‌ها و میوه‌هایش در مقابل این خانه فروختم».

صاحب باغ گفت: آری. خدا و موسی بن عیسی را گواه می‌گیرم که این خانه را با آن چه در آن است، به آن باغ فروختم. علی (علیه السلام) رو به آن مرد کرد و فرمود: «برخیز و خانه را مالک شو. خدا مبارکت گرداند و خانه بر تو حلال است». وقت نماز مغرب شد و اذان بلال به گوش رسید، همه برخاستند و نماز مغرب و عشا را با پیامبر خدا به جای آوردند و به خانه‌های خود رفتند. وقتی صبح شد، پیامبر خدا نماز صبح را با آنان به جای آورد و به تعقیبات نماز پرداخت و... در حال تعقیب نماز بود که جبرئیل (علیه السلام) از نزد خدا وحی آورد. پیامبر خدا به سوی یارانش برگشت و فرمود: «کدام یک از شما در شب گذشته، کاری انجام داده است. خداوند گزارش آن را فرو فرستاده است؛ یا یکی از شما جریان را بگوید و یا من خود آن را بگویم؟». امیر مؤمنان علی بن ابی‌طالب گفت: ای پیامبر خدا! تو خبر آن را به ما بده. پیامبر خدا<sup>۱</sup> فرمود: «آری. جبرئیل فرود آمد و سلام خدا را به من رساند و گفت: دیشب علی کاری کرده است. به دوستم جبرئیل گفتم: چه کاری؟ گفت: بخوان ای پیامبر خدا! گفتم چه چیز را بخوانم گفت: بخوان؛

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

{وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى... وَكَسُوفَ يَرَضَى} (لیل/۱-۲۱). تو - ای علی - آیا برای بهشت، صدقه ندادی و در برابر باغ، خانه را برای ساکنان آن، صدقه ندادی؟». علی (علیه السلام) گفت: چرا، ای پیامبر خدا! پیامبر فرمود: «این، سوره‌ای است که درباره تو نازل شده و این، برای توست». پیامبر<sup>۲</sup>





مصادیق احسان و نیکوکاری در سیره امیرالمؤمنین (علیه السلام)

به سوی امیر مؤمنان شتافت و بین دو چشمش را بوسید و وی را در آغوش گرفت و فرمود: «تو برادر منی و من برادر توام» (کوفی، تفسیر فرات، ص ۵۶۶).

نه - بخشیدن بند کفش

ابن حنبل - به نقل از زادن - چنین آورده: علی بن ابی طالب را دیدم که بند کفش‌هایی در دست می‌گرفت، در بازارها قدم می‌زد و به افراد (ی که بند کفش‌شان پاره شده بود) بند می‌داد، راه گم کرده را راهنمایی می‌کرد و باربر را در حمل بار یاری می‌رساند و این آیه قرآن را می‌خواند: {تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ} (قصص/۸۳) و می‌فرمود: «این آیه درباره حاکمان و مردمان صاحب‌قدرت نازل شده است» (ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۲، ص ۱۰۴).

این روایت چند عمل نیک حضرت علی (علیه السلام) را بیان می‌کند: دادن بند کفش، راهنمایی راه گم کرده و یاری رساندن به باربر، که هر دو جنبه اقتصادی و خدماتی را شامل می‌شود.

حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «از بخشش کم حیا مکن؛ زیرا محروم کردن، از آن هم کم‌تر است» (مکارم شیرازی، ترجمه نهج البلاغه، حکمت ۶۷).

ده - موااسات علی (علیه السلام)

ثقفی از ابو مضر درباره امام علی (علیه السلام) نقل می‌کند: علی (علیه السلام) به بازار کرباس فروشی‌ها آمد و در برابر فرد خوش‌چهره ایستاد و فرمود: «ای مرد! دو لباس به پنج درهم داری؟» مرد فوری برخاست و گفت: آری یا امیرمؤمنان! وقتی مرد او را شناخت، علی (علیه السلام) او را رها کرد و از وی گذشت و پیش جوانی آمد و فرمود: «ای جوان! آیا دو لباس به پنج درهم داری؟». گفت: آری، دو تا لباس دارم که یکی بهتر از دیگری است؛ یکی به سه درهم و دیگری به دو درهم. علی (علیه السلام) فرمود: «آن‌ها را بیاور». آن‌گاه فرمود: «ای قنبر! آن را که سه درهم است؛ تو بردار». قنبر گفت: ای امیر مؤمنان! تو به لباس سه درهمی سزاوارتری، چون به منبر می‌روی و برای مردم سخنرانی می‌کنی. فرمود: «ای قنبر! تو جوانی و نشاط جوانی داری و من از پروردگرم شرم می‌کنم که بر تو برتری جویم؛ چون از پیامبر خدا شنیدم که می‌فرمود: «از آن چه می‌پوشید، بپوشانید و از آن چه می‌خورید، بخورانید». آن‌گاه لباس را پوشید و دستش را درون آستین کشید و دید که آستین از انگشتانش می‌گذرد. فرمود:







«ای جوان! این زیادی را ببر». جوان آن را برید و گفت: «ای پیرمرد! بده تا آن را بدوزم. فرمود: «همین طور رهائش کن؛ چون عمر، کوتاه‌تر از این است». (ابن هلال الثقفی، الغارات، ج ۱، ص ۱۰۶).

#### یازده - آزاد کردن بردگان

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: علی (علیه السلام) هزار بنده را از دسترنج خود آزاد کرد و تا زمانی که پیش شما بود، شیرینی‌اش خرما و شیر، و لباسش کرباس بود (همان، ص ۹۲).

ثقفی - از عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) - نقل می‌کند: علی (علیه السلام) با پینه دست‌هایش و عرق پیشانی‌اش هزار خانواده را آزاد ساخت (همان، ص ۹۱).

حضرت علی (علیه السلام) در نهج البلاغه، حکمت ۲۵۴ می‌فرماید: «ای فرزند آدم! تو خود وصی خویشان در اموال خود باش و (امروز) به گونه‌ای در آن عمل کن که می‌خواهی پس از تو (مطابق وصیت) عمل کنند».

#### دوازده - پرداخت بدهی

یکی دیگر از کارهای نیک حضرت علی (علیه السلام) نسبت به مردم، پرداخت بدهی آن‌ها بود و ضامن شدن حضرت برای کسی که دینی بر عهده اوست.

سنن الدار قطنی - به نقل از ابوسعید - آورده است: در تشیع جنازه‌ای که پیامبر خدا هم بود، حضور یافتم. هنگامی که جنازه را بر زمین گذاشتند، پیامبر خدا پرسید: «آیا بدهی‌ای بر عهده اوست؟». گفتند: آری. از او روی برتافت و فرمود: «بر دوستان نماز بگذارید».

هنگامی که علی (علیه السلام) چنین دید، در پی پیامبر خدا رفت و گفت: ای پیامبر خدا! از او بدهی‌هایش را گشت و من ضامن بدهی‌های اویم. پیامبر خدا بازگشت و بر او نماز گذارد و آن‌گاه رفت و به علی (علیه السلام) فرمود: «ای علی! خدا تو را جزای خیر دهد! خداوند در روز قیامت ذمه تو را از دین آزاد کند، چنان‌که تو ذمه برادر مسلمانان را از دین آزاد کردی. هیچ بنده‌ای بدهی برادر دینی خود را نمی‌دهد، جز آن‌که روز قیامت، خداوند ذمه او را از دین آزاد می‌کند (محمدی ری‌شهری، دانشنامه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ج ۹، ص ۱۵۲).







### دوازده - پردازنده بدهی پیامبر

امام علی (علیه السلام) می‌فرمایند: هنگامی که آیه «و خویشان نزدیک را هشدار ده» نازل شد...، پیامبر خدا به سراغ آن‌ها رفت و فرمود: «کدام یک از شما وام مرا می‌پردازید؟». پیامبر سکوت کرد و آنان هم سکوت کردند. پیامبر خدا، دوباره سخن را تکرار کرد. من گفتم: من، ای پیامبر خدا! حضرت فرمود: «تو ای علی! تو ای علی!» (همان، ج ۸، ص ۷۸).

امام علی (علیه السلام) فرموده‌اند: وقتی پیامبر خدا در وصیتش به من، فرمان به پرداخت وام‌ها و تعهداتش داد، گفتم: ای پیامبر خدا! می‌دانی که من مالی ندارم. فرمود: «خداوند یاری‌ات خواهد کرد».

پس از آن، هرگاه خواستم بخشی از بدهی‌ها و تعهداتش را پردازم، خداوند آن را برایم آسان ساخت. بدهی‌ها و تعهداتش را پرداختم، آن را شمردم و دیدم که هشتاد هزار (سکه) شد. مقداری از آن ماند، به حسن وصیت کردم تا آن را پردازد (همان).

ابن شهر آشوب - از قتاده - نقل کرده که شنیده‌ایم که سه سال در هنگام حج، علی (علیه السلام) بانگ می‌زد: «هر کس وامی از او بر عهده پیامبر خداست، پیش ما بیاید تا وامش را پردازیم» (ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۲، ص ۹۸).

### سیزده - اطعام

یکی از بهترین اعمال نیک، اطعام نیازمندان است. حضرت علی (علیه السلام) به این مسئله بسیار توجه داشتند و به کارگزاران خود هم سفارش می‌کردند که به نیازمندان رسیدگی کنند و گرسنگان را فراموش نکنند در نامه ۶۷ به کارگزار خود در مکه می‌نویسند: «در بیت‌المالی که نزد تو گرد آمده بنگر، و آن را برای عیال‌مندان و گرسنگان که نزد تو هستند مصرف کن، و به فقیران و نیازمندان برسان».

امیر مؤمنان (علیه السلام) بسیاری از مواقع ایثار و گذشت می‌کردند و غذای خود را به نیازمندان و محرومان می‌دادند که در این جا به چند مورد اشاره خواهد شد.

(اول) اطعام مستمند، یتیم و اسیر

یکی از مهم‌ترین ایثار ایشان، اطعام مستمند، یتیم و اسیر است که سوره‌ای در مورد آن نازل شده و بسیاری از مفسران شأن نزول آن را مربوط به حضرت علی (علیه السلام)، حضرت فاطمه و حسن و حسین می‌دانند.





مصادیق احسان و نیکوکاری در سیره امیرالمؤمنین (علیه السلام)

خداوند در آیه هشت و نه سوره انسان می‌فرماید: {وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا}. در تفسیر این آیات آمده است که حضرت علی (علیه السلام) و همسر و فرزندان ایشان با این که سه روز روزه گرفته بودند و غذایی نخورده بودند غذای خود را به مسکین، یتیم و اسیر می‌دهند و می‌فرمایند ما فقط برای رضای خدا شما را اطعام کردیم و این نشان از اخلاص ایشان دارد.

*سوم) تقسیم گوشت بین مردم*

حضرت علی (علیه السلام) بهترین غذاها را برای گرسنگان اختصاص می‌دادند و خود به قرص نانی اکتفا می‌کردند و معتقد بودند کسی که کارهای مردم را به دست می‌گیرد شایسته نیست که چیزی بهتر از غذای آنان بخورد.

«عامل آذربایجان در ماه رمضان با اموال آن‌جا به کوفه نزد علی (علیه السلام) آمده بود. حضرت وقتی نماز شام را با مردم خواند، با دست خویش گوشت و ترید بر بیچارگان و دیگر اهل مسجد تقسیم کرد. ایشان تا از دو نماز فارغ نمی‌شد و به دست خود همه غذا را تقسیم نمی‌کرد، به خانه نمی‌رفت. به عامل آذربایجان هم فرمود: بهره‌ای از این گوشت و ترید بردار و با آن افطار کن.

عامل گفت: من نزد امیر مؤمنان روزه می‌گشایم. و پیش خود می‌پنداشت که غذای بهتری بهره او خواهد شد. هنگامی که علی (علیه السلام) از کار خویش بیاسود و با عامل خود به خانه برگشت، ... و اندکی سویق نزدشان آوردند که بین آن دو تقسیم شد. علی (علیه السلام) به کار گزار فرمود: «بخور» و خود به خوردن پرداخت. کار گزار گفت: من گوشت شتر و ترید را به طمع چیزی بهتر گذاشته‌ام! حضرت فرمود: مگر نمی‌دانی که هر کس کارهای مردم را به دست گیرد، شایسته نیست که چیزی بهتر از خوردنی آنان بخورد؟. سپس به قنبر فرمود: برو پیش حسن و بین نزد او طعامی هست که مهمان ما را به کار آید!.

قنبر، پیش حسن (علیه السلام) رفت و دو گرده نان و اندکی ترید برای او آورد. قنبر آن را نزد کار گزار گذاشت و او از آن خورد» (طوسی، اخلاق محتشمی، ج ۱۰، ص ۴۴۵).

*سوم) خوردن عسل به یتیمان*

حضرت علی (علیه السلام) پدر یتیمان بودند؛ پدری دلسوز و مهربان که اهتمام ویژه‌ای به آنان داشتند.





مصادیق احسان و نیکوکاری در سیره امیرالمؤمنین (علیه السلام)

کلینی - از حبيب بن ابی ثابت - نقل می کند که برای امیر مؤمنان از منطقه هجران و حلوان، عسل و انجیر آوردند. پس به سرشناسان قبایل دستور داد که یتیمان را بیاورند. آنان را بالای ظرف‌های عسل جای داد تا عسل بخورند و خود، عسل‌ها را قلع قمع میان مسلمانان تقسیم می کرد. گفته شد: ای امیر مؤمنان! چرا عسل می خورند؟ فرمود: «امام، پدر یتیمان است و همانا آنان را به خوردن عسل وا داشتم، به جای پدرانشان» (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۰۶).

*چهارم) سیر کردن کودکان و بازی با آنها*

«گزارش شده که علی (علیه السلام) شبی بر زنی تهی دست عبور کرد که کودکانی خردسال داشت و از گرسنگی گریه می کردند. آن زن، کودکان را مشغول و سرگرم می کرد تا بخوابند، و آتشی زیر دیگی که فقط آب داشت برافروخته بود تا کودکان گمان برند که در دیگ غذایی است که برایشان می پزد. امیر مؤمنان از حال زن آگاه شد. به سوی خانه‌اش راه افتاد... وقتی به خانه زن رسید، اجازه ورود خواست؛ سپس مقداری برنج در دیگ ریخت با مقداری چربی. وقتی که از پختن آن فارغ شد، آن را در اختیار کودکان گذاشت و از آنها خواست که بخورند. وقتی سیر شدند، شروع کرد به دور اتاق گشتن و صدای «بع بع» در آوردن، و آنها می خندیدند. وقتی از خانه بیرون آمد، قنبر به وی گفت: سرورم! دیشب امری شگفت دیدم که علت بعضی از آن را دانستم و آن، بر دوش کشیدن توشه برای کسب ثواب بود، اما علت گشتن دور خانه بر دست و پا و صدای «بع بع» در آوردن را ندانستم! حضرت فرمود: ای قنبر! من بر این کودکان وارد شدم، حال آن که از شدت گرسنگی گریه می کردند. دوست داشتم از نزد آنان بیرون روم، در حالی که با سیری می خندند و راهی جز آن چه انجام دادم، نیافتم» (محمدی ری شهری، دانشنامه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ج ۴، ص ۱۵۴).

حضرت علی (علیه السلام) در حکمت ۳۲۸ می فرماید: خدای سبحان قوت فقرا را در اموال اغنیا واجب و معین کرده است. از این رو هیچ فقیری گرسنه نمی ماند مگر به سبب بهره‌مندی غنی (ممانعت او از پرداخت حق فقیر) و خدای متعال (روز قیامت) در این باره از آنها سوال و باز خواست می کند».

*پنجم) سینی در دست و کیسه‌ای بر پشت*

حضرت علی (علیه السلام) در شکل‌های مختلف به مردم نیکی می کرد؛ گاه علنی و در روز و گاهی مخفی و شبانه و همه آنها به خاطر نزدیکی به خدا و رضای او بود. و در نامه ۵۳ به مالک می نویسد: «سپس خدا را خدا را در نظر بگیرد در حق طبقه پایین جامعه، آنان که بیچاره‌اند، از مساکین، نیازمندان، بینوایان و زمین گیران...». و خود حضرت به رسیدگی نیازمندان بسیار اهمیت می دادند.





مصادیق احسان و نیکوکاری در سیره امیرالمؤمنین (علیه السلام)

ابن شهر آشوب - به نقل از محمد بن صمه، از پدرش، از عمویش - می‌نویسد: مردی را در مدینه دیدم که کیسه‌ای بر پشت و سینی‌ای در دست داشت و می‌گفت: «پروردگارا! ای دوست مؤمنان، خدای مؤمنان و پناهده مؤمنان! امشب هدیه مرا به درگاہت بپذیر. جز آن که در سینی‌ام هست و آن‌چه پوشیده‌ام، چیزی را مالک نیستم و تو خود می‌دانی که با همه نیازم، خود را به خاطر بهره نزدیکی به تو، از آن، محروم ساختم. پروردگارا! رویم را بر زمین مزن و دعایم را رد مکن». نزدیک وی آمدم و او را شناختم. دیدم علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) است. نزد مردی رفت و او را سیر کرد (ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۲، ص ۷۶).

زمخشری از محمد بن حنفیه نقل می‌کند: پدرم (علی (علیه السلام)) شبانگاه، قنبر را صدا می‌زد و آرد و خرما بر دوشش می‌نهاد و به در خانه‌هایی که می‌شناخت، می‌رفت و کسی را از آن آگاه نمی‌کرد. به وی گفتم: پدرم! چرا این اموال را در طول روز (علنی) به آنان نمی‌دهی؟ فرمود: «پسرم! صدقه مخفی، خشم پروردگار را خاموش می‌کند» (زمخشری، ربیع‌الابرار، ج ۲، ص ۱۴۸).

#### ششم - رسیدگی به خویشاوندان

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) از دسترنج خود و کشاورزی به مردم نیازمند کمک می‌کردند و خویشاوندان نیازمند خود را هم فراموش نمی‌کردند و به آن‌ها نیز بخشش می‌کردند.

«از محمد بن حنفیه نقل شده است که هرگاه غله‌های پدرم از زمینش می‌رسید، خوراک خود، خانواده و مادران فرزندان را بر می‌داشت، خوراک حسن و حسین را می‌داد، خوراک مرا می‌داد و به هر کس از فرزندانش که حاضر بودند، می‌داد، به عقیل و پسرانش، به فرزندان جعفر، به ام‌هانی و فرزندانش و به همه فرزندان عبدالمطلب - اگر نیازمند بودند - می‌بخشید و به دیگر بنی‌هاشم و فرزندان مطلب بن عبدمناف، فرزندان نوفل بن عبدمناف و به گروهی از قریشیان که نیازمند به بخشش بودند و خانواده‌های انصار و دیگران می‌بخشید، به گونه‌ای که برای وی چیزی باقی نمی‌ماند. هیچ کس از او چیزی نمی‌خواست، جز آن که با اجابت درخواستش او را باز می‌گرداند» (کوفی، مناقب الامام امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ج ۲، ص ۶۸).

حضرت علی (علیه السلام) در نهج‌البلاغه حکمت ۴۲۵ می‌فرماید: «خداوند بندگان را دارد که نعمت‌های خاصی را به آنان بخشیده تا بندگان دیگر از آن بهره گیرند، به همین دلیل مادامی که از این نعمت‌ها به دیگران می‌بخشند





خدا آن را در دستشان نگه می‌دارد اما هنگامی که آن نعمت‌ها را از دیگران دریغ داشتند از آن‌ها می‌گیرد و آن را به گروهی دیگر می‌دهد.

#### چهارده - موقوفات

یکی دیگر از سنت‌های حسنه و اعمال خیر حضرت علی (علیه السلام) که جنبه اقتصادی داشت و آن حضرت به آن اهتمام فوق‌العاده‌ای می‌ورزید سنت حسنه وقف است. موقوفات حضرت علی (علیه السلام) شامل چاه‌ها (بیش از ۱۰۰ حلقه چاه)، چشمه‌ها، نخلستان‌ها، خانه‌ها و مساجد است که به صورت مختصر معرفی خواهد گردید.

اول) چاه‌ها، چشمه‌ها، نخلستان‌ها و مزارع

کتاب تاریخ المدینه - به نقل از ابو غسان - آورده است: اموال علی (علیه السلام) چشمه‌هایی پراکنده در منطقه ینبع بود. یکی از آن‌ها چشمه‌ای بود که به آن «چشمه بحیر» می‌گفتند و به دیگری «چشمه ابونیزر» و چشمه دیگری هم بود که از آن به «نوله» یاد می‌کردند و اکنون به نام «عور» نامیده می‌شود و همین چشمه، چشمه‌ای است که می‌گویند علی (علیه السلام) شخصاً در آن کار کرده است. علی (علیه السلام) هم چنین در ینبع، بغیغات را هم آباد کرد که چندین چشمه بود. از جمله آن‌ها چشمه‌ای بود که به آن «خیف ۳ اراک» می‌گفتند و چشمه دیگری که به آن «خیف لیلی» می‌گفتند و چشمه دیگری که از آن به «خیف بسطاس» یاد می‌شد که در آن، راسته‌ای از نخل بود.

علی (علیه السلام) از چشمه‌ای به نام «حدث» در ینبع، سهم آب داشت و در آباد کردن چشمه‌ای موات در ینبع به نام «عصبیه» نیز مشارکت داشت. او در مدینه نیز موقوفاتی داشت: «فقیرین» در عالیه، چاه «ملک» در منطقه قنات و «ادبیه» در منطقه اضم. گفته می‌شود که حسن بن علی (علیه السلام) یا حسین بن علی (علیه السلام) همه آن‌ها را در جنگ‌هایشان فروختند و امروزه آن اموال در دست افراد گوناگون پراکنده است.

از جمله موقوفات علی (علیه السلام) چشمه روانی در «وادی القری» بود که به آن، «چشمه حسن» می‌گفتند، در وادی القری، چشمه دیگری بود که موات بود.



. خیف، در زبان عربی به پایین دست کوه (کوهپایه) اطلاق می‌شود که نه درشتی و سنگلاخی کوه را دارد و نه نرمی و یکدستی دشت را.



مصادیق احسان و نیکوکاری در سیره امیرالمؤمنین (علیه السلام)

علی (علیه السلام) در «چشمه سکر» هم سهمی داشت، چنان که سهم آبی در چشمه‌ای در منطقه بیره داشت که از جمله موقوفات بود. در منطقه «حره الرجلاء» از ناحیه شعب زید، وادی است به نام «احمد» که بخشی از آن در موقوفه‌های علی (علیه السلام) بود. وی در حره الرجلاء چهار عدد چاه داشت که به آن‌ها «ذات کمات»، «ذوات العشراء»، «قعین»، «معید» و «رعوان» می‌گفتند و همه جزو موقوفه‌های وی بود.

در ناحیه فدک، در «زرنوق» سرزمینی سنگلاخ بود که به آن، «رعیه» می‌گفتند و دارای نخل بود و جریان آب ضعیفی داشت که با دلو و چرخ، خارج می‌شد و از جمله موقوفات بود.

وی در منطقه فدک، زمینی داشت که به آن، «اسحن» می‌گفتند و بنی‌قزازه بر آن ادعای مالکیت و سکونت داشتند و اکنون، جزو موقوفه‌ها و در دست متولیان موقوفات است.

وی در فدک در قسمت بالای حره الرجلاء ملکی داشت که به آن «قصیه» می‌گفتند (ابن شبه، تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۲۳۱).

دوم) مساجد وقفی حضرت علی (علیه السلام)

یکی از کانون‌های مهم تبلیغ اسلام و رسیدگی به نیازهای مردم، مسجد است و حضرت علی (علیه السلام) به سبب ترویج و گسترش دین اسلام مساجدی را به دست مبارک خود بنا می‌کردند و آن‌ها را وقف می‌نمودند. از دیگر موقوفات حضرت علی (علیه السلام) که ابن شهر آشوب در کتاب خود به آن اشاره نموده مساجدی است که حضرت خود بنا کردند و وقف نمودند که عبارتند از: مسجد الفتح، مسجد الجامع البصره، مسجدی در منطقه احد، مسجدی در میقات حج، مسجدی در کوفه و مسجدی در عبادان (خشنودی، جایگاه موقوفات امام علی (علیه السلام)، ص ۲۴۳).

سوم) خانه موقوفه حضرت علی (علیه السلام)

یکی از حالات وقف خاص امام، وقف خانه‌ای در مدینه در محله «بنی‌زریق» بر خاله‌های خود است.

از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) خانه‌ای در محله بنی‌زریق داشتند و بدین صورت آن را وقف کردند: «به نام خدای بخشاینده مهربان. این است آنچه علی بن ابی‌طالب آن را در حالی که زنده و کامل بود، صدقه کرد. وقف نمود خانه خود را که در بنی‌زریق قرار دارد، صدقه‌ای که فروخته نمی‌شود و هبه نمی‌گردد تا خدای که وارث آسمان و زمین است آن را وارث شود. و در این خانه، خاله‌های خود







مصادیق احسان و نیکوکاری در سیره امیرالمؤمنین (علیه السلام)

را سکونت داد مادامی که خود یا اولادشان زنده هستند و وقتی مرگ آنها فرا رسید برای محتاجانی از مسلمانان باشد.» (محمدی ری شهری، دانشنامه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ج ۱۰، ص ۳۵۶).

«درآمد سالانه حضرت علی (علیه السلام) از موقوفات خویش بالغ بر ۴۰ هزار دینار بوده که همه صرف خدمت به جامعه اسلامی و امور خیریه و گسترش اسلام و کمک به محرومان و نیازمندان می شده است.» (خشنودی، جایگاه موقوفات امام علی (علیه السلام)، ص ۲۴۶).

#### ب) احسان‌هایی با جنبه خدماتی

حضرت علی (علیه السلام) احساناتی با جنبه خدماتی نیز داشتند که مواردی از آنها در پی می آید:

##### یک - بنیاد نهادن صندوق شکایات

«حضرت علی (علیه السلام) به خاطر این که مشکل عدم طرح مستقیم مظلومیت‌ها و دادخواهی‌ها حل شود، جایگاهی به نام «بیت‌القصص» تأسیس کرده بود تا مردمان، مظلومان و هر آن که مسئله دارد و از طرح رویاروی آن ناتوان است، دادخواهی خود را بنویسد و بدان جا بيفکند تا علی (علیه السلام) از آن مطلع شود. امام، خود در میان مردم ندا داد که هر کس را نیازی است و نمی‌خواهد واگویی‌اش را کسی بداند تا از شناخته شدن، مصون بماند، خواست خود را در نوشتاری بنویسد و در بیت‌القصص (صندوق شکایات) بيفکند. گویا این کار در تاریخ، اولین گام در جهت مرتبط ساختن مردم با هیئت حاکم است» (محمدی ری شهری، دانشنامه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ج ۳، ص ۴۲۴).

«برای امیرالمؤمنین خانه‌ای بود. آن را بیت‌القصص نامید و مردم نامه‌های خود را در آن افکندند» (ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۱۷، ص ۸۷).

##### دو - بردن مشک آب و پخت نان

ابن شهر آشوب نقل می‌کند: علی (علیه السلام) زنی را دید که مشک آبی بر دوش دارد. مشک را از او گرفت و تا خانه‌اش برد. آن‌گاه از احوالش پرسید. زن گفت: علی بن ابی‌طالب، شوهرم را به یکی از مناطق مرزی فرستاد. او کشته شد و کودکانی یتیم برایم به جای گذاشت. چیزی ندارم و نیاز، مرا به کلفتی مردم واداشته است. علی (علیه السلام) بازگشت و آن شب تا صبح مضطرب بود. هنگامی که صبح شد. زنیلی غذا به دوش گرفت. برخی گفتند: بگذار به جای تو بر دوش کشیم. فرمود: «چه کسی روز قیامت، گناه مرا بر دوش می‌کشد؟».







مصادیق احسان و نیکوکاری در سیره امیرالمومنین (علیه السلام)

سپس به در خانه آمد و در را کوبید. زن گفت: کیستی؟ فرمود: «بنده‌ای که دیروز مشک آبت را به دوش کشید. در را باز کن. غذایی برای کودکان، همراه من است». زن گفت: خدا از تو خشنود باشد و میان من و علی بن ابی طالب داوری کند! سپس داخل خانه شد و فرمود: «دوست می‌دارم ثوابی به دست آورم. تو خمیر می‌کنی و نان می‌پزی یا کودکان را سرگرم می‌کنی تا من نان پیدم؟».

زن گفت: من به پختن نان، آگاه‌تر و بر آن توانمندترم. تو با کودکان باش و آنان را سرگرم کن. زن به سوی آردها رفت و آن‌ها را خمیر کرد و علی (علیه السلام) به سوی گوشت رفت و آن را پخت و از خرما و گوشت و دیگر خوراکی‌ها لقمه به دهان کودکان می‌گذاشت و هرگاه کودکان لقمه‌ای می‌خوردند، به آن‌ها می‌گفت: «فرزندم! علی بن ابی طالب را حلال کن به خاطر آنچه بر تو گذشته است». وقتی زن، آرد را خمیر کرد، گفت: ای بنده خدا! تنور را روشن کن. علی (علیه السلام) شتابان برای روشن کردنش حرکت کرد. وقتی شعله‌ورش ساخت و به صورتش برخورد کرد، گفت: «ای علی! بچش. این کیفر کسی است که بیوه‌زنان و یتیمان را رها سازد». زنی (دیگر) که علی را می‌شناخت، او را دید و گفت: وای بر تو ای زن! این امیر مؤمنان است. راوی گوید: زن، با شتاب می‌گفت: شرمندوات هستم ای امیر مؤمنان! فرمود: «من شرمنده تو هستم، ای بنده خدا! از آن‌رو که درباره‌ات کوتاهی کرده‌ام» (ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۱۲، ص ۱۱۵).

سه - نیکی در حق زن ستم‌دیده

امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: علی (علیه السلام) به هنگام گرمی هوا به خانه برگشت که در این هنگام، زنی را ایستاده دید که می‌گفت: همسرم به من ستم کرده و مرا ترسانده و بر من تعدی روا داشت و سوگند یاد کرده که مرا کتک زند. علی (علیه السلام) فرمود: «ای بنده خدا! صبر کن تا هوا خنک شود، آن‌گاه با تو می‌رویم، اگر خدا بخواهد».

زن گفت: خشم و عصبانیتش بر من بسیار خواهد شد. (علی (علیه السلام)) سپس سرش را پایین انداخت. آن‌گاه سر بلند کرد، در حالی که می‌گفت: «نه، به خدا سوگند، تا حق ستم‌دیده، بدون درماندگی (لکنت) در گفتار، گرفته شود. خانه‌ات کجاست؟». به در خانه مرد رفت و ایستاد و گفت: «السلام علیکم!».

جوانی بیرون آمد. علی (علیه السلام) فرمود: «ای بنده خدا! از خدا پروا کن. تو زنت را ترسانده‌ای و بیرون رانده‌ای». جوان گفت: تو را به او چه کار؟ به خدا سوگند، به سبب این سخن تو را می‌سوزانم! آن‌گاه امیر مؤمنان فرمود:



«تو را به نیکی امر می کنم و از زشتی باز می دارم. با زشتی به استقبالم می آیی و نیکی را نادیده می انگاری؟». مردم از گوشه و کنار می آمدند و می گفتند: سلام بر تو ای امیر مؤمنان! مرد، پشیمان و سرگشته گفت: ای امیر مؤمنان! از لغزشم در گذر. به خدا سوگند، (از این پس) در برابرش زمینی خواهم بود که بر من پا گذارد.

علی (علیه السلام) شمشیرش را غلاف نمود و گفت: «ای بنده خدا! وارد خانهات شو و همسرت را به چنین کارهایی وامدار» (ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۲، ص ۱۰۶).

آنچه ذکر شد مصادیق گوناگون احسان و نیکوکاری امیرالمومنین (علیه السلام) نسبت به خلق خدا بود که در کتب تاریخی از آنها نام برده شده بود. حضرت امیر (علیه السلام) به زیبایی تمام در کلام خود سفارش به احسان و نیکوکاری و کمک به نیازمندان می کنند و به زیباترین شکل ممکن احسان به دیگران را در سیره، رفتار و عمل خود به نمایش می گذارند تا دیگران هم بیاموزند و به ایشان تأسی کنند و ببینند که کلام و عمل ایشان یکی است. حضرت همیشه بهترین غذا و لباس را به نیازمندان اختصاص می دادند و به کمترین قناعت می کردند و می فرمودند: «خداوند، مرا پیشوای بندگانش قرار داده است و بر من واجب کرده که خودم، خوردنم، نوشیدنم و پوششم را به قدر ناتوانترین مردم قرار دهم تا ندار به ناداری ام اقتدا کند و ثروت ثروتمند، او را سرکش نسازد» (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۱۰).

حضرت وظیفه رهبر جامعه را رسیدگی به نیازمندان می دانستند و به خاطر تعدیل اقتصادی، به نیازمندان کمک می کردند و سفارش به انفاق، صدقه و زکات می کردند تا ثروت در یک جا متمرکز نشود؛ زیرا انفاق پیش از آن که به حال محرومان مفید باشد به نفع سرمایه داران است و در حقیقت، تعدیل ثروت، حافظ ثروت است. حضرت می فرماید: «اموال خود را با دادن صدقه و زکات حفظ کنید» (مکارم شیرازی، ترجمه نهج البلاغه، حکمت ۱۴۶).

طبق آنچه در سیره حضرت علی (علیه السلام) آمده، ایشان هیچ گاه فقیر و تنگدست نبوده اند؛ بلکه همواره با تلاش و زحمت، اموال فراوانی به دست می آوردند و سهم ایشان از غنائم جنگی هم قبل از خلافت قابل ملاحظه بود ولی آنها را در راه خدا انفاق می کرده اند و بخش مهمی از اموال خود را صرف آزاد کردن بردگان می نمودند و چیزی برای خود باقی نمی گذاشتند.





مصادیق احسان و نیکوکاری در سیره امیرالمؤمنین (علیه السلام)

«معاویه بن ابی سفیان، دشمن کینه‌توز علی (علیه السلام) که در عیب‌جویی از او و لکه‌دار کردن شخصیت او تلاش می‌کرد، به محسن بن ابی محسن صبی در مقابل این سخن او که گفت: «از نزد بخیل‌ترین مردم می‌آیم»، گفت: وای بر تو! چه‌طور می‌گویی او بخیل‌ترین مردم است؟ اگر او انباری از طلا و انباری از گاه می‌داشت، انبار طلایش را زودتر از انبار کاهش می‌بخشید» (محمدی ری شهری، دانشنامه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ج ۹، ص ۵۲۷).

مصادیق احسان و نیکوکاری امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)

ولی صدقه‌دهندگان، صدقه در خفا و آشکارا، پیشوای صدقه‌دهندگان، بخشیدن شمشیر، بخشیدن زره، بخشیدن حُلّه، بخشیدن لباس بخشیدن خانه بخشیدن بند کفش مواسات علی (علیه السلام)، آزاد کردن بردگان، پرداخت بدهی	جنبه اقتصادی
دادن غذا به مسکین، یتیم و اسیر	اطعام
تقسیم گوشت بین مردم	
خوراندن عسل به یتیمان	
سیر کردن کودکان	
سینی در دست و کیسه‌ای بر پشت	
رسیدگی به خویشاوندان	





مصادیق احسان و نیکوکاری در سیره امیرالمومنین (علیه السلام)

چاه‌ها، چشمه‌ها، نخلستان‌ها و مزارع، مساجد، خانه	موقوفات	
تأسیس صندوق شکایات بردن مشک آب و پخت نان نیکی در حق زن ستم‌دیده		جنبه خدماتی





#### نتیجه

احسان و نیکوکاری که غالباً با واژه «محسنین» از آن یاد شده، معنی وسیعی دارد و به معنای انجام دادن هرگونه کار نیک و شایسته است و مصادیق فراوانی دارد و یکی از انواع نیکی‌ها، احسان و نیکی در حق خلق خداست. امیر مؤمنان علی (علیه السلام) چه در زمان خلافت و چه قبل از آن، اهتمام فوق‌العاده‌ای به احسان و نیکوکاری داشتند و به صورت مخفی و آشکارا و به طرق مختلف به مردم کمک می‌کردند. بسیاری از نیکی‌های حضرت به مردم جنبه اقتصادی داشت، از جمله؛ بخشش‌های حضرت (انگشتر، لباس، زره، خانه، بند کفش و...)، اطعام نیازمندان و یتیمان، آزادی بردگان، موقوفات (چاه‌ها، چشمه‌ها، نخلستان و مزارع). تمام این فعالیت‌های خیرخواهانه را حضرت با کار کردن بر روی زمین و حفر چاه با دست مبارک خویش و یا از غنائم جنگی که به دست می‌آوردند انجام می‌دادند. برخی از اعمال خیر حضرت جنبه خدماتی داشت مانند: حمل مشک آب، نان پختن، حمل بار، کمک به ستمدیدگان و تأسیس صندوق شکایات برای این که مردم راحت‌تر مشکلات خود را با وی در میان گذارند. حضرت علی (علیه السلام) برای رضای خدا و نزدیکی به او و گسترش اسلام، اعمال خیر و نیکوکارانه را انجام می‌دادند و هدف دیگر حضرت، توزیع عادلانه ثروت در جامعه بود و این که بارها می‌فرمودند: رهبر و پیشوای جامعه باید به مردم به ویژه نیازمندان رسیدگی کند و از احوال آن‌ها باخبر باشد.





#### منابع

قرآن کریم، ترجمه دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی و گروهی از اساتید جامعه‌المصطفی، قم: انتشارات المصطفی، ۱۳۸۸ش.

ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن محمد المعتزلی، شرح نهج‌البلاغه، دار الاحیاء التراث، بیروت، ۱۳۸۷ق.

ابن شبه، عمر بن شبه النمیری البصری، تاریخ المدینة المنوره، تحقیق فهیم محمد شلتوت، دارالتراث، بیروت، ۱۴۱۰ق.

ابن هلال الثقفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۹۵ق.

خشنودی، عفت و منتظرالقائم، اصغر، جایگاه موقوفات امام علی (علیه السلام)، فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه شناسی، ش ۴۸، قم، ۱۳۹۳ش.

دمشقی، علی بن الحسن بن هبة الله دمشقی (ابن عساکر)، تاریخ دمشق، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۵ق.

راغب، ابوالقاسم حسین بن محمد بن فضل (راغب اصفهانی)، المفردات، ترجمه و تحقیق غلامرضا خسروی حسنی، مرتضوی، تهران، ۱۳۸۳ش.

زمخشری، محمود بن عمر، ربیع الابرار و فصوص الاخبار، تحقیق سلیم النعیمی، منشورات الشریف الرضی، قم، ۱۴۱۰ق.

طبرسی، امین الاسلام ابن علی الفضل بن الحسن، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، مؤسسه‌ الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۲۵ق.

طوسی، محمد بن محمد (خواجه نصیر)، اخلاق محتشمی، تحقیق: محمدتقی دانش‌پژوه، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۳۹ش.

العیاشی، محمد بن مسعود السلمی المرقندی، تفسیر العیاشی، المكتبة العلمیة، تهران، ۱۳۸۹ق.

کلینی، محمد بن یعقوب الكلینی الرازی، کافی، دارصعب و دارالتعارف، بیروت، طبع رابع، ۱۴۰۱ق.





مصادیق احسان و نیکوکاری در سیره امیرالمؤمنین (علیه السلام)

کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات، وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی، تهران، ۱۴۱۱ق.

کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب الامام امیرالمؤمنین (علیه السلام) (مناقب کوفی)، تحقیق: محمدباقر محمودی، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیه، قم، ۱۴۱۲ق.

مازندرانی، محمد بن علی (ابن شهر آشوب)، مناقب آل ابی طالب (المناقب لابن شهر آشوب)، المطبعة العلمیة، قم، [ابی تا].

محمودی ری شهری، محمد، دانشنامه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ترجمه: عبدالهادی مسعودی، دارالحديث، قم، ۱۴۲۸ق.

مطهری، مرتضی، سیره نبوی، دبیرخانه طرح مطالعاتی بینش مطهر، تهران، ۱۳۹۰.

مکارم شیرازی، ناصر، ترجمه نهج البلاغه، قم، نشر علی بن ابی طالب، ۱۳۸۵.

مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۶۵ش.

مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام امیرالمؤمنین (علیه السلام)، انتشارات امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، قم، ۱۳۹۰ش.

ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، قم، مؤسسه انتشارات علامه، ۱۳۷۹ق.

